



ماهنامه دنیا در گفتگو با دکتر سید هادی برهانی  
عضو هیئت علمی مطالعات فلسطین اشغالی دانشگاه تهران



رژیم صهیونیستی در  
منطقه خاور میانه







## دنیا: در رابطه با ساختار حکومت اسرائیل توضیح دهید؟

حکومت اسرائیل یک حکومت پارلمانی است. مجلس دولت را تشکیل می دهد و نخست وزیر را انتخاب میکند اما با توجه به خصوصیتی که اسرائیل دارد، این نظام پارلمانی طوری تعریف شده است که مطابق شرایط اسرائیل باشد. در این ساختار چند مسئله لحاظ شده است. یکی اینکه به شدت نخبه گرا است. یعنی هر چند که بسیار مایل هستند یک حکومت مبتنی بر رای مردم به نظر برسند اما عملاً در هیچ سطحی نخبگان با رای مستقیم مردم انتخاب نمی شوند. البته نخبگان ملی، نه نخبگان محلی. برای نمونه شهردار یا شورای شهر حساب جداگانه ای دارند اما مناصب ملی هیچ کدام نه نخست وزیر و نه رئیس جمهور به دست مردم انتخاب نمی شوند. تنها چیزی که مردم انتخاب میکنند احزاب است و احزاب هستند که بر اساس لیست خود، نمایندگان مجلس را انتخاب می کنند و نمایندگان در مجلس یا کنیست، نخست وزیر و رئیس جمهور را انتخاب میکنند.

از طرف دیگر نیز هیچ فراندومی تا به حال در اسرائیل برگزار نشده است و اسرائیل تاکنون هیچ بار به آرای عمومی مراجعه نکرده است و همچنین اسرائیل قانون اساسی هم ندارد یعنی دستورکاری ملی و مردمی برای کار حکومت و دولت ندارد. لذا در عین اینکه عنوان می شود اسرائیل دموکراسی است و سعی هم می کند خود

را جزو دموکراسی های لیبرال و غربی به حساب آورد و در دنیا نیز اینگونه شناخته شده است و به قول آمریکایی ها که می گویند تنها دموکراسی در منطقه خاورمیانه اسرائیل است ولی اگر در شکل و کار این نظام دقت شود یک نظامی است که توسط نخبگان و نه مردم اداره می شود.

## دنیا: سطح مشروعیت مردمی نظام حاکم بر اسرائیل چه اندازه است؟

اینجا باید به منظور از مردم را روشن کرد. یک مردمی هستند که در اسرائیل ۱۹۴۸ زندگی می کنند که شامل حدود ۷۰ درصد یهودی هستند و ۳۰ درصد عرب و سایر اقوام مثل چرکس ها و کردها که درصد کمی هستند. علاوه بر این مردمانی هستند که در منطقه تحت سیطره اسرائیل زندگی می کنند اما اسرائیلی به حساب نمی آیند که شامل غزه، کرانه باختری و بلندی های جولان است. در مناطق اشغالی چون بلندی های جولان، کرانه باختری و غزه، اسرائیل نه تنها مشروعیت ندارد بلکه از نظر مردم این مناطق بزرگ ترین دشمن این ملت است. اما در مورد کسانی که در اسرائیل ۴۸ زندگی می کنند که اکثراً یهودی هستند، به واقع در میان یهودیان حکومت اسرائیل مشروعیت و محبوبیت دارد. نه تنها در میان یهودی های اسرائیل بلکه در میان بیشتر یهودیان دنیا این رژیم مورد حمایت و علاقه است. در مورد عربهای ۴۸ یعنی عرب های داخل اسرائیل که پاسپورت اسرائیلی دارند آنها در مجموع

مخالف اسرائیل هستند اما نه به درجه مخالفت عربهای کرانه باختری و غزه.

## دنیا: علت تغییر سیاست خارجی برخی از کشورهای عرب مانند مصر و عربستان سعودی و اردن چیست؟

دلایل مختلفی می‌توان در نظر گرفت ولی چیزی که بیشتر به نظر من اهمیت دارد و اگر آن را در نظر بگیریم به خطا رفته ایم، این است که عرب‌ها، کشورهای عربی، اولین و مهمترین دشمنان اسرائیل در منطقه بودند و دلیل این دشمنی بسیار روشن است. یعنی اینکه پروژه صهیونیسم بزرگترین ضربه را به تاریخ عرب، جغرافیای عربی و هویت عربی وارد کرده است. آن اندازه که عربها در پروژه صهیونیسم مورد آسیب قرار گرفتند هیچ کشوری یا گروه دیگری در دنیا آسیب ندیده است. یک سرزمین عربی اشغال شد، یک کشور عربی از روی کره زمین محو شد، یک ملت عرب از خانه خود رانده شد و مقدسات اسلامی و عربی تخریب شد. هویت عربی سرزمین فلسطین در حال نابودی است بسیاری نابود شده است و آنچه باقی مانده است در حال نابودی است. اینکه تصور بکنیم یک عرب یا یک کشور عربی می‌تواند به طور طبیعی به اسرائیل مثبت نگاه کند برای من قابل تصور نیست. در طول تاریخ عرب‌ها، هیچ قدرتی به اندازه اسرائیل آنها را تحقیر نکرده است. لذا عرب‌ها کاملاً حق دارند که نسبت به اسرائیل منفی باشند که بودند و هستند. اما برغم این واقعیت برخی از عرب‌ها

دست از مبارزه با اسرائیل کشیده اند. علت اصلی این عقب نشینی را باید شکست‌هایی است که از اسرائیل متحمل شدند. یعنی در برابر اسرائیل سعی و تلاش زیادی کردند، جنگیدند، حمله کردند، ولی در واقع در این حملات موفق نبودند و شکست‌های سختی خوردند و آن کشورهایی که شکست‌های بیشتری خوردند، شاید بتوان گفت نسبت به این مبارزه ناامیدتر هستند. به طور مثال مصر. هیچ کشوری در جهان عرب به اندازه مصر، برای مبارزه با اسرائیل سرمایه گذاری نکرد، چه از لحاظ مالی چه از لحاظ جانی و تعداد شهدا، کسانی که در مبارزه با اسرائیل کشته شدند. اما در واقع مصری‌ها و کشورهای دیگر مثل اردن به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان با اسرائیل جنگید. لذا نتیجه آن وضعیت فعلی یعنی خستگی و ضعف و شکست و ناامیدی کشورهای عربی است. برخی از کشورها رابطه را به صراحت برقرار کردند مثل مصر مثل اردن مثل یعنی سازمان آزادیبخش فلسطین ساف و برخی کشورها اگر رسماً به رسمیت نشناخته‌اند ولی عملاً می‌بینیم که گام‌های مهمی برای اصلاح رابطه برداشتند مثل بحرین مثل عمان مثل عربستان.

## دنیا: سیاست خارجی اسرائیل نسبت به ترکیه و عربستان چگونه است و تفاوت نگاه اسرائیل بین دو کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من سیاست خارجی اسرائیل به ترکیه و عربستان کاملاً متفاوت است. عربستان کشور قوی و بزرگ و تاثیرگذاری در منطقه است که از دشمنی به سمت دوستی با اسرائیل می‌رود و ترکیه کشوری قوی و متنفذ در منطقه است که از دوستی به سمت دشمنی با اسرائیل می‌رود یعنی تحولات در ترکیه برای اسرائیل نگران کننده و در عربستان بسیار امیدوارکننده است.

دنیا: با توجه به حملاتی که اخیراً اسرائیل به پایگاه نیروهای ایرانی در سوریه انجام داد آیا از نظر شما اسرائیل







در عمل هم موفق شدند و این حملات مکرر که اسرائیل به سوریه داشت و هم حملات علیه مواضع حزب الله و نیروهای ایرانی، نیروهای مقاومت نتوانستند پاسخ پشیمان کننده ای به اسرائیل بدهند. یک بحث این است و بحث دیگر این است که اسرائیل با توجه به مخالفت نیروهای بین المللی و غرب با حضور ایران در سوریه، فرصتی برای فشار بر ایران به دست آورده است و همانطور که دیده می شود حملات اسرائیل به نیروهای مقاومت مورد مخالفت غرب قرار نمی گیرد و یکی از اهداف اسرائیل هم این است که حضور نیروهای مقاومت و ایرانی در سوریه کم شود.

**دنیا: با توجه به تحرکات و حملات اسرائیل علیه مواضع ایران نگاه روسیه به چنین حرکات اسرائیل چگونه خواهد بود؟ آیا روسیه به تسامح خود نسبت به این حرکت ادامه خواهد داد؟**

باید نگاه مسکو به اسرائیل را خوب شناخت. از یک طرف سوریه برای روسیه بسیار مهم است. پایگاه نظامی و رسمی روسیه در منطقه خاورمیانه سوریه است. برای همین سعی زیادی در حفظ سوریه در منطقه کرده و بسیار هم موفق بوده است. اما از طرف دیگر و از چشم انداز دیگر اهمیت اسرائیل برای روسیه اهمیت بیشتری است یعنی بیشتر از سوریه و ایران. با توجه به نگاه روسیه به تحولات بین المللی سیاست خارجی روسیه نسبت به اسرائیل بر منافع استوار است نه ارزشها یعنی بر منافع ملی، منافع نخبگان و خصوصاً منافع شخص پوتین.

روسیه و پوتین به خوبی می دانند یهودی ها و لابی یهودی و اسرائیل در کشورهای غربی و در نظام بین الملل و در اقتصاد بین

**واقعاً فکر می کند با چنین حملاتی، ایران از سوریه خارج می شود یا صرفاً یک مانور نظامی یا تبلیغاتی است؟**

به نظر من یک هدف مهم اسرائیل در این حرکات دنبال می کند این است که می خواهد انرژی مقاومت و اعتماد به نفسی که مقاومت در سوریه به دست آورده است را نابود کند. تحولات اخیر در سوریه می تواند برای مقاومت، حزب الله لبنان و ایرانی ها انرژی بخش و امیدوار کننده باشد و به مقاومت یک روحیه تهاجمی و اعتماد به نفس برای حرکت به سمت اسرائیل بدهد. در واقع آن گونه که اطلاع دارید مخالفین مسلح تا چند قدمی کاخ ریاست جمهوری سوریه رسیده بودند و این مقاومت بود که توانست مخالفین را قدم به قدم دور بکند و به جایی برساند که الان در ورطه سقوط کامل هستند. فقط تعدادی در منطقه ادلب هستند که امیدی برای باقی ماندن ندارند و واقع مسئله این است که حزب الله و نیروهای ایرانی به این تحولات به عنوان یک پیروزی چشمگیر نظامی و امنیتی نگاه می کنند و این اعتماد به نفسی به نیروهای مقاومت می دهد و اسرائیل از این اعتماد به نفس نگران است. اگر این نیروها با این اعتماد به نفس و انرژی در کنار مرزهای اسرائیل مستقر شوند اسرائیل بشدت نگران خواهد شد. لذا به نظر من هدف اصلی این حملات از بین بردن این اعتماد به نفس است.

یعنی اسرائیل مایل است اعلام کند اگر شما در برابر معارضین مسلح پیروز شدید ولی قدرت من یک قدرت بسیار بیشتری است و با گروه های مخالف در سوریه قابل مقایسه نیست و به نظر من



اول اینکه این بحث نیل تا فرات در منابع مقدس اسرائیلی‌ها وجود دارد و ادعایی که یهودی‌های متدین نسبت به فلسطین دارند درست همین عبارت نیل تا فرات است، که می‌گویند در کتاب مقدس ما هست و که این منطقه را خداوند به نسل ابراهیم داده است و نسل ابراهیم را از اسحق می‌دانند و نه از اسماعیل که شامل عربها نشود. بنابراین از نظر آنها این ادعا کاملاً مشروعیت دارد و موجه است.

دوم رهبران اسرائیل در طول تاریخ خود بارها از این تعبیرات استفاده کردند برای نمونه موشه دایان وزیر دفاع اسرائیل و اگر امروز این ادعا را تکذیب می‌کنند ولی ما نمی‌توانیم این عبارات و تاریخ را فراموش کنیم.

سوم اینکه اگر ما به موجودیت اسرائیل در منطقه توجه کنیم، از زمان تولد تا به امروز کاملاً می‌توانیم ماهیت توسعه طلبانه اسرائیل را ببینیم که هر روز، قدم به قدم خود را به مساحت نیل تا فرات نزدیک و نزدیک تر کرده است و به نظر من کاملاً قابل مشاهده است و آخرین دلیل اینکه اسرائیل هر چند از نظر تکنولوژی پیشرفته است ولی از نظر امکانات جغرافیایی بسیار محدود است، مساحت کمی دارد، جمعیت کمی دارد، شکل کشورش قابل دفاع نیست، ارتفاع خوبی ندارد، از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک نیاز به گسترش مرز دارد و با این مساحت و جغرافیا نمی‌تواند در برابر جهان اسلام مقاومت کند که این علل اسرائیل را هدایت می‌کند به سمت چشمداشت به منطقه نیل تا فرات. این طرح با این گستردگی البته در شرایط بین‌المللی فعلی اصلاً قابلیت اجرا ندارد. ولی نباید خطر توسعه طلبی اسرائیل را دست کم گرفت. شما اگر برگردید به ۵۰ سال ۶۰ سال پیش هیچ کس تصور نمی‌کرد روزی اسرائیل در دنیا به این قدرت برسد. اسرائیل یک نیروی است که بشدت در حال شدن است و سیر تکامل آن هنوز تمام نشده و در حال رشد است و اگر روند، همین روند ۷۰ سال اخیر باشد اسرائیل حتماً به این موقعیت می‌رسد که بتواند پروژه نیل تا فرات را اجرایی کند.

**دنیا: رهبر انقلاب اسلامی سه سال پیش فرمودند که ما قصد داریم کرانه باختری را مسلح کنیم. سرلشکر محمد باقری فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح نیز در یک مصاحبه تلویزیونی گفت که ما در صدد مسلح کردن کرانه باختری هستیم. ذهنیت و یا آمادگی مردم کرانه باختری می‌پذیرد که مانند مردم غزه مسلح شوند و عملیات نظامی انجام دهند یا خیر و مردم، در کرانه باختری آمادگی و ذهنیت مسلح**



الملل نقش زیادی دارند و اصلاً نمی‌خواهند کاری بکنند که اسرائیل علیه مسکو و علیه پوتین وارد عمل شوند. لذا پوتین به نتانیاهو به عنوان یک شریک اصلی در صحنه بین‌المللی نگاه میکند. به عنوان سیاستمداری که میتوان با آن معامله کرد و پوتین به این طور افراد نیاز دارد و مایل است رابطه خوبی با نتانیاهو داشته باشد.

**دنیا: اگر روسیه بخواهد بین ایران و اسرائیل یک کشور را انتخاب کند، آن هم با وجود همکاری‌های موفق ایران و روسیه، اسرائیل را انتخاب میکند؟**

البته روسیه تلاش می‌کند که هر سه کشور را نگه دارد، یعنی هم ایران، هم اسرائیل، هم سوریه. ولی اگر روزی مجبور شود بین ایران و اسرائیل یک کشور را انتخاب کند، اسرائیل را انتخاب خواهد کرد و کاملاً این انتخاب را منطقی می‌داند، چون نفوذ اسرائیل در نظام بین‌المللی و بین کشورهای غربی و به ویژه نزدیکی اسرائیل با آمریکا برای روسیه بسیار حائز اهمیت است.

**دنیا: اسرائیل با تئوری نیل تا فرات آغاز کرد. آیا با وجود قرائن موجود بین‌المللی نظیر رشد و قدرت مقاومت، تحولات یمن، مخالفت‌های جهانی با رفتارها خشونت‌آمیز اسرائیل، آیا اسرائیل می‌تواند مرزهای خود را گسترش دهد و به سمت نیل تا فرات حرکت کند؟**

در مورد بحث نیل تا فرات و اینکه آیا گسترش مرزهای اسرائیل امکان‌پذیر است، اگر الان شما فرصت مصاحبه با سیاست‌مدارهای اسرائیل را داشتید و نظر آنها را می‌پرسیدید، آن چنان برخورد خشن و بدی می‌کنند و بلافاصله شما را به یهودی‌ستیزی متهم می‌کنند. ولی برغم این انکار سرسختانه چند دلیل دارم برای اینکه اسرائیل دارد به این سمت حرکت می‌کند.





است. بسیار خوب است که در مشورت با گروه‌های فلسطینی این ایده پیگیری شود اما من این تصور را ندارم که امروز و در اوضاع کنونی بتوان این ایده را اجرا کرد.

**دنیا: خود مردم کرانه باختری از نظر ذهنی و روحی، انقلابی یا شهادت طلب هستند یا نه، یک روحیه سازش پذیر اتخاذ کرده‌اند؟**

واقعیت این است که در شرایط فعلی مردم کرانه باختری آن روحیه مردم غزه را ندارند و یک حالت رخوت و سستی در آنها دیده می‌شود. هم راهپیمایی‌ها و هم حرکت‌های مردمی در کرانه باختری خیلی کم هست و هم عملیات مسلحانه علیه اسرائیل خیلی کم شده است و با سالهای گذشته در همین منطقه قابل مقایسه نیست و تعداد تلفات اسرائیلی‌ها در کرانه باختری قابل مقایسه با قبل نیست. یک علت این است که فلسطینی‌ها در انتفاضه دوم یا انتفاضه الاقصی فداکاری‌های زیادی کردند و عملیات‌های زیادی علیه اسرائیل انجام دادند که بسیاری از عملیات‌ها، استشهادی بود و چندین هزار تن از فلسطینی‌ها در این عملیات‌ها کشته شدند، اما اسرائیل توانست آن عملیات را متوقف کند. الان بعد از انتفاضه، فلسطینی‌ها در یک حالت روانی هستند که نتوانستند آن ناکامی را که انتفاضه نتوانست به اهداف خود برسد هضم کنند. لذا باید تحولات جدیدی رخ دهد تا انرژی دوباره ای بیابند و مردم کرانه باختری دوباره به حرکت در آیند.

**شدن و عملیات مسلحانه علیه اسرائیل را ندارند؟**

واقعیت این است که شرایط غزه و کرانه باختری به شدت متفاوت است. غزه یک تکه زمینی است که کاملاً از نیروهای اسرائیلی تخلیه شده است. مگر اینکه اسرائیل با یک عملیات نظامی یا یک حمله و یا شیبخون وارد غزه شود و دوباره برگردد. کاملاً مناطق غزه دست نیروهای مبارز مثل حماس و جهاد اسلامی است. در غزه امکان وجود تشکیلات نظامی، داشتن اسلحه و مواضع نظامی مثل تونل‌ها موشک‌ها و غیره ممکن است. کرانه باختری کامل در اختیار اسرائیل است و در همه جای آن نیروهای اسرائیلی حضور دارند. جهاد اسلامی و حماس در کرانه باختری هستند ولی کاملاً محدود و مخفی. برای نمونه اگر یک نفر از نیروهای جهاد در خیابان باشد، چند دقیقه بعد نیروهای اسرائیلی به او دسترسی پیدا می‌کنند، درگیر می‌شوند و یا او دستگیر می‌شود و یا کشته می‌شوند. اسلحه‌هایی که در کرانه باختری وجود دارد اسلحه‌های سبک است که پنهانی نگهداری می‌شود. اما در غزه موشک، موشک‌انداز یا دیگر انواع تجهیزات سنگین نظامی وجود دارد. این ایده که کرانه باختری مسلح شود ایده خوبی است و ما می‌بینیم که غزه تا حدود زیادی اسرائیل را به زانو درآورده و مقاومت درخشانی را انجام داده و اسرائیل از ناحیه غزه به شدت تحت فشار است. می‌بینید که در اتفاقات چند روز گذشته وزیر دفاع اسرائیل استعفا کرد و کابینه در حال سقوط است. ولی این ایده که کرانه باختری مسلح شود به نظر من بسته به شرایط منطقه







همه دنیا و بخصوص  
دنیای اسلام، موظفند  
هرچه می توانند به  
تجهیز ملت

فلسطین  
کمک کنند.

All the world, specially the  
muslim world, must do their  
best to help the Palestinians  
get equipped.

ع.س.س  
۹۲/۵/۷

